خبر

«جادوی صدا» در جشنواره عروسکی تهران-مبارک

هفتمین نشست تخصصی بیست‌ویکمین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران-مبارک با عنوان «جادوی صدا در نمایش عروسکی» و با آموزش فرشاد فزونی، آهنگساز، دراماتورژ، اجراگر و بداهه‌پرداز، برگزار می‌شود. به‌گزارش جام‌جم به‌نقل از روابط عمومی جشنواره، این نشست شنبه ۱۱ مهرماه ۱۴۰۵ از ساعت ۱۶ تا ۱۸ در سالن اصلی مرکز تئاتر مولوی برگزار خواهد شد. فرشاد فزونی از سال ۱۳۷۹ فعالیت خود را در زمینه آهنگسازی تئاتر آغاز کرده و تاکنون برای بیش از ۵۰ پروژه تئاتری آهنگسازی و حدود ۱۵۰۰ شب اجرای زنده داشته است. رویکرد تجربه‌گرای او در طراحی صدا با موسیقی زنده، بداهه‌پردازی و عناصر اجرایی و روایی پیوند دارد. او با هنرمندانی همچون داریوش مهرجویی، مسعود رایگان، علی‌اصغر دشتی، مرتضی میرمنتظمی و آزاده انصاری همکاری کرده و جوایزی از جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر و کانون منتقدان تئاتر ایران دریافت کرده است. علاقه‌مندان برای ثبت‌نام می‌توانند نام و شماره تماس خود را از طریق تلگرام یا بله به شماره ۰۹۱۲۳۳۹۵۶۴۹ ارسال کنند. اولویت حضور با ثبت‌نام‌کنندگان است. آرزو عالی، مدیریت بخش آموزش جشنواره را برعهده دارد. این جشنواره به‌دبیری پوپک عظیم‌پور تبریزی، مهرماه ۱۴۰۵ در تهران برگزار می‌شود.



امان از این ناسینمای رو زمینی!

به‌رغم تمام ادعاها، فیلم‌های به اصطلاح «زیرزمینی» از ابتدا تا انتها هیچ پیوندی با فعالیت‌های مخفی ندارند و در واقعیت، فرآیندی کاملا «رو زمینی» و با ساختاری کاملا «بالازمینی» را طی می‌کنند



سعید مستغاثی
منتقد سینما

سینمای «زیرزمینی»! نام و عنوانی که مدتی است زیاد شنیده می‌شود؛ آن هم در روزگاری که دوربین‌های موبایلی و مانند آن، تصویربرداری و فیلمسازی را بسیار سهل و آسان کرده است. یعنی هرکسی می‌تواند با دوربین موبایلش تصاویری از سوژه یا سوژه‌هایی بگیرد و اسم آن را «فیلم» بگذارد و البته نیازی هم نیست برای این‌که عنوان زیرزمینی برایش یدک بکشد، برای آن تصویربرداری به زیرزمین یا مانند آن برود!

یعنی همین که برای آن تصویربرداری‌ها، اقدامات رسمی و علنی به‌عمل نیاورد (مثل درخواست پروانه ساخت فیلمسازی) به‌آن تصاویر به‌اصطلاح فیلمیک، یک عنوان زیرزمینی می‌چسبانند! حالا ممکن است آن تصاویر یا خیلی شخصی بوده و قصدی برای نمایش عمومی آن وجود نداشته باشد (با این تعریف، سالانه ده‌ها میلیون فیلم زیرزمینی در این مملکت تولید می‌شود!) یا به اصطلاح می‌خواسته عمدا با دور زدن مراجع رسمی، آن را نمایش دهد که البته بیشتر برای شرکت در جشنواره‌های خارجی به کار می‌آید.

پس، نگرانی بعضی حضرات داخلی از رشد همین سینمای به اصطلاح زیرزمینی که به تصور آنها به‌دلیل سختگیری در مجوزهای سینمای روزمینی روندی افزایشی داشته، چندان با واقعیات مطابقت ندارد و البته واضح و مبرهن است که همه آن نگرانی ادعایی، در واقع برای رها ساختن کامل عرصه تولید سینمای کشور، مورد پافشاری قرار گرفته، اگرچه در حال حاضر هم چندان با آن رهاسازی فاصله‌ای به چشم نمی‌خورد!

نه سینما هستند و نه زیرزمین!

خیلی طبیعی است که اغلب آثار تولید شده، هیچ نسبتی با فیلم و سینما نداشته باشند، چه آنها که شخصی بوده‌اند و چه آنها که خواسته‌اند روال قانونی را دور بزنند و طرفه آن‌که این گروه دوم، مملو از نمونه‌های غیرسینمایی و بلکه ضدسینمایی هستند، چراکه برای عبور از درهای بیشتر جشنواره‌های فیلم امروز دنیا، چندان نیازی به هنر سینما و هنرنمایی در این عرصه نیست و بنا به مصالح آن جشنواره، به‌ویژه درباره کشورهایی مانند ایران، مقداری شعر و شعار کفایت می‌کند. شبه‌روشنفکر/فیلمساز وطنی هم به سیاق اسلاف خود، به اصطلاح پیازداغ قضیه را بیشتر کرده و دیگر فرصتی برای پرداختن به فیلم و سینما برایش باقی نمی‌ماند؛ به‌ویژه آن‌که اساسا هم از ابتدا چندان سررشته‌ای از هنر هفتم نداشته و در این اوضاع شلم‌شوربای هنر امروز، راه گم کرده و به اصطلاح دستش خط خورده، یک‌دفعه به عرصه فیلم و سینما پرتاب شده و کم‌کم امر بر او مشتبه گشته که نکند چیزی از هنر هفتم حالیش است!

از همین روی، حتی نمی‌تواند در فیلم «دانه‌انجیر معابد»، راکورد نوری دو پلان پی در پی را در حد یک هنرآموز ابتدایی حفظ کند و در فیلم «کیک محبوب من» نیز از یک تصویربردار مجالس عروسی هم نابلدتر عمل می‌نماید! و به‌رغم سرقت بی‌تعارف نمایشنامه «مرگ و دوشیزه» آریل دورفمن و فیلم معروف رومن پولانسکی، تحولات بره‌ای را محور «یک تصادف ساده» قرار می‌دهد!

و نکته این‌که اغلب آثار مدعی و معروف به سینمای زیرزمینی، دارای مجوز و پروانه ساخت رسمی از وزارت ارشاد بوده و هستند و به‌راحتی و با فراغ بال با ارائه مجوز خود در تمامی اماکن عمومی، خیابان‌ها، رستوران‌ها، جاده، اتوبوس، بیمارستان، فرودگاه و... فیلمبرداری کرده و می‌کنند، آثاری مانند کیک محبوب من یا «آشیل» یا «رکسانا» یا....

همین روال برای دیگر فیلم‌های قانونی

این آثار دقیقا مانند فیلم‌های مجوزدار، فیلمنامه خود را به شورای پروانه ساخت سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه کرده و پس از طی مراحل قانونی، پروانه ساخت رسمی دریافت می‌کنند. سپس با اتکا به همین مجوز، به مراکز و سازمان‌های مختلف مثل نیروی انتظامی، اداره اماکن، شهرداری‌ها، مؤسسات و سازمان‌های دیگر مراجعه کرده و براساس همان پروانه ساخت، مجوز فیلمبرداری و تولید را در مکان‌های گوناگون مانند خیابان‌ها و لوکیشن‌ها و ساختمان‌های عمومی و سایر مراکز دریافت می‌کنند و حتی از حمایت‌های مالی و امکانات مختلف برخوردار می‌شوند.

بسیاری از بازیگران و عوامل تولید مانند فیلمبرداران، متصدیان صدا، استودیوها و... براساس همان پروانه ساخت رسمی و قانونی، با پروژه‌های سینمایی همکاری کرده و امکانات خود را در اختیار آنها قرار می‌دهند.

چنانچه فیلم‌هایی مثل کیک محبوب من، بیداد، مراقب، آشیل و... با همین پروانه ساخت رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مراحل تولید کاملا علنی و قانونی داشتند و صحنه‌های متعددی را در میادین و خیابان‌ها و کوچه‌پس‌کوچه‌های شهر و... حتی سازمان‌ها و مؤسسات همچون کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به‌طور علنی فیلمبرداری کردند و بعضا از کمک‌های نیروی انتظامی هم برخوردار بودند.

صحنه‌های زیادی از فیلم بیداد، دوچرخه‌سواری شخصیت اصلی فیلم را در خیابان‌ها نشان می‌دهد و سکانس پایانی نیز کاملا در فضاهای ساختمان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان می‌گذرد. همچنین صحنه‌هایی از فیلم کیک محبوب من در خیابان و پارک بوده و شخصیت اصلی را در حال قدم زدن مشاهده می‌کنیم.

در آثاری همچون «بیداد» یا «مراقب» یا «کیک محبوب من» و... در کنار کلی شعر و شعار و صدور بیانیه و ایراد سخنرانی و... آنچه وجود ندارد و به چشم نمی‌خورد «فیلمیک» و عناصر «سینما» است

بنابراین ملاحظه می‌فرمایید که این دسته از آثار به‌رغم ادعای خودشان و شبه‌رسانه‌های زنجیره‌ای مبنی بر زیرزمینی بودن، تولیداتی کاملا روزمینی و حتی بالازمینی دارند! چون سیر تولید آنها از ابتدا تا انتها هیچ ربطی با زیرزمین و کار زیرزمینی ندارد!

این دسته از فیلم‌ها مانند بسیاری دیگر از آثاری که قصد شرکت در جشنواره‌های خارجی را دارند، ابتدا فیلم خود را برای دریافت پروانه نمایش اکران در سینماهای داخل کشور ارائه نکرده و بعضا پس از بازگشت از جشنواره‌ها آن را به شورای پروانه نمایش عرضه می‌دارند. این درحالی است که قبل از دولت سیزدهم، فیلم‌های شرکت‌کننده در جشنواره‌های خارجی به‌رغم تصریح ماده ۵ قانون نظارت بر نمایش (که در مرداد ۱۳۸۲ مصوب شده بود) عموما بعد از شرکت در جشنوارهای خارجی، برای دریافت پروانه نمایش داخلی اقدام می‌کردند، حتی در دولت سیزدهم هم که قرار شد به قانون یاد شده عمل شود، باز هم برخی فیلم‌ها پس از حضور در جشنواره‌های خارجی، به شورای پروانه نمایش ارائه و مجوز اکران دریافت کردند؛ مانند «رکسانا»، «میجر»، «ابلق»، «تا فردا» و....

آنچه ندارند، سینماست

اما معمولا در آثاری همچون بیداد یا مراقب یا کیک محبوب من و... در کنار کلی شعر و شعار و صدور بیانیه و ایراد سخنرانی و... آنچه وجود ندارد و به چشم نمی‌خورد، همانا سینما و عناصر فیلمیک است! یعنی معمولا آوازه‌خوانی زن و حرکات ناموزون و فرار یا همراه شدن زن و مرد غریبه و سگ‌بازی و روابط آنچنانی و دعواها و هیولابازی مردها و به‌ویژه پدرها و... و عرق‌خوری و بازداشت و زندان و ایست‌بازرسی و گشت ارشاد و... کلکسیونی است که در این نوع آثار دیده می‌شود؛ به قول معروف جنس جور است، فقط در میان همه آنها، نه قصه‌ای به چشم می‌خورد و نه شخصیتی و نه فراز و نشیبی و نه حس و حالی و نه فیلمنامه‌ای و... و به‌طور خلاصه، از سینما خبری نیست!

از همین روست که به‌رغم همه سفارش‌ها و فاندها و حمایت‌های خارجی، اغلب در همان جشنواره‌های خارجی هم ناموفق هستند و به اصطلاح پشیزی هم کف دست‌شان نمی‌اندازند! این ماجرا که چند سالی است در جشنواره‌های خارجی علیه همین «ناسینمای روزمینی» ما برجسته شده! مثلا فیلم کیک محبوب من، با این‌که در جشنواره برلین پذیرفته شد اما حتی مورد یک تقدیر خشک و خالی، ولو در هیچ‌یک از ده‌ها بخش جنبی آن جشنواره قرار نگرفت یا دانه انجیر معابد، آن‌قدر ضعیف ارزیابی شد که هیأت داوران جشنواره کن با همه سفارش‌ها و توصیه‌ها، هر چه بالا و پایین کرد، نتوانست هیچ جایزه‌ای به آن بدهد تا بالاخره دبیر هنری جشنواره، یک جایزه ویژه خلق‌الساعه از آستینش بیرون کشید و به رسول اف داد!

فیلمی مانند پیر پسر را با همه به آب و آتش زدن اما تقریبا در هیچ یک از جشنواره‌های معتبر دنیا قبول نکردند تا یکی دو جشنواره دست‌دوم یا بسیار پرت مانند ترانسیلوانیا آن را در بخش‌های جنبی خود راه دادند.

فیلم بیداد در هیچ جشنواره معتبری به جز جشنواره دست چندم کارلو وی واری پذیرفته نشد و فیلم مراقب به‌رغم تمامی پارتی‌بازی‌ها و سفارش‌ها، حتی برای بخش اصلی مسابقه جشنواره ونیز هم رد شد و تنها در یکی از ۵۵ بخش جنبی آن حضور داشت! و جایزه‌ای هم که دریافت کرد یکی از هفت جایزه یکی از ۵۵ بخش جنبی و حاشیه‌ای این جشنواره بود!

یعنی جشنواره ونیز به‌جز بخش مسابقه اصلی خود- که مهم‌ترین و در واقع اساس جشنواره به‌شمار می‌رود- ۵۵ بخش حاشیه‌ای و جنبی دارد مانند «نتپک»، «هفته منتقدان»، «فدیک»، «پاسینتی»، «کوییر»، «شبکه فیلم حقوق‌بشر»، «قطره سبز»، «مجیک لانترن»، «مارچلو ماسترویانی»، «فیپرشی»، «مولف زیر ۴۰»، «جایزه بزرگ تأثیرگذار ونیز»، «جایزه روبر برسون»، «سینما و هنر» و.... یکی از بخش‌های جنبی، بخش «افق‌ها» است که در آن هفت جایزه اهدا می‌شود و یکی از آنها به بازیگر فیلم مراقب تعلق گرفت؛ آن جایزه هم نه شیر طلایی و نه شیر نقره‌ای- جوایز اصلی جشنواره ونیز- بود، بلکه یک شیر سیاه رنگ به او داده شد! همین و همین!

درنگ

بازنمایی پدر و مرد ایرانی در سینمای جشنواره‌ای

چندی پیش که لاله مرزبان در بخش فرعی جشنواره ونیز برنده جایزه شد، سخنرانی‌ای درباره ظلمی که به زنان ایرانی می‌شود، انجام داد؛ صحبت‌هایی که با توجه به مضمون فیلم «مراقب»، متمرکز بر خشونت خانگی در ایران بود. تصاویری از مهمانان حاضر در مراسم نیز پخش شد که برای این سخنرانی بغض و ابراز ناراحتی کرده بودند اما واقعیت این است که همه ما می‌دانیم تصویری که فیلمی مثل مراقب به نمایش می‌گذارد، لزوما منطبق بر اکثریت جامعه ایرانی نیست اما چه چیزی باعث شده مخاطب فیلم‌های ایرانی در خارج از مرزها چنان این تصاویر را باور کند که منقلب شود؟ به‌گزارش «جام جم آنلاین» برای درک بهتر این پدیده، به پنج فیلم «خانه پدری»، «فروشنده»، «برادران لیلا»، «پیرپسر» و «مراقب» که در ۱۶ سال اخیر در جشنواره‌های خارجی حضور داشته و پیرامون آنها جنجال‌های رسانه‌ای شکل گرفته که باعث دیده‌شدن‌شان شده، نگاهی می‌اندازیم تا تصویر دقیق‌تری به‌دست آوریم.

خشونت خانگی به‌مثابه پدیده‌ای فرهنگی

نخستین فیلم، «خانه پدری» به‌کارگردانی کیانوش عیاری است. این اثر داستان خانواده‌ای به‌نام محتشم را در بستر شش‌دهه روایت می‌کند و با حکایت قتل دختر خانواده در حدود ۷۰ سال پیش آغاز می‌شود؛ الگویی که در بستر زمان تا سال ۱۳۷۸ تکرار و تکثیر می‌شود. خانه پدری موضوع خشونت خانگی علیه زنان را نه یک مورد در یک خانواده، بلکه پدیده‌ای فرهنگی در ایران که حتی ریشه‌ای مذهبی هم دارد، به‌تصویر می‌کشد؛ حتی در نقد و بررسی این فیلم نیز به نمادپردازی‌هایی اشاره شده که خانه را نمادی از ایران توصیف کرده‌اند؛ نکته‌ای که خود تاییدی بر این موضوع است.

تصویر پنهان پشت چهره مرد خانواده‌دوست

فیلم دوم، «فروشنده» به‌کارگردانی اصغر فرهادی است؛ اثری که در سال ۲۰۱۶ جایزه بهترین فیلمنامه و بهترین بازیگر مرد جشنواره کن را کسب کرد و به‌طور غیرمستقیم مرد و پدر ایرانی را بازتاب می‌دهد. فرید سجادی حسینی نقش «مرد» را بازی می‌کند؛ پیرمردی که پس از ورود به خانه‌ای که پیش‌تر محل زندگی زنی بوده، درگیر بحرانی می‌شود که زندگی زوج جوان فیلم، یعنی عماد و رعنا را تغییر می‌دهد. اهمیت این شخصیت در آن است که فیلم ابتدا او را به‌عنوان یک «مرد» و سپس به‌عنوان «پدر» و «همسر» می‌شناساند. او در جامعه تصویری از مردی زحمتکش و خانواده‌دوست دارد؛ خانواده‌ای که همسر، دختر و دامادش در پایان فیلم در کنارش قرار می‌گیرند اما پشت این تصویر، راز و رفتاری دیگر پنهان است.

پدرسالاری بی‌پشتوانه اما پابرجا

سومین فیلم، «برادران لیلا» به‌کارگردانی سعید روستایی است؛ یکی از فیلم‌هایی که تولید و پخش آن در جشنواره کن در رسانه‌ها جنجال زیادی به‌پا کرد. عمده این جنجال به بازنمایی شخصیت پدر در این فیلم، به‌ویژه سکانسی که در آن دختر خانواده سیلی به‌صورت پدر می‌زند، بازمی‌گردد. در این فیلم، اسماعیل، پدر خانواده با بازی سعید پورصمیمی می‌خواهد فرزندان و همچنین خانواده و طایفه‌اش به او احترام بگذارند، به‌ویژه پس از آن‌که پدرسالار پیر این خاندان از دنیا می‌رود و همین باعث می‌شود اسماعیل خود را فرد مناسبی برای این جایگاه ببیند. این شخصیت، تجسم پدرسالاری‌ای است که دیگر پشتوانه اقتصادی و اجتماعی واقعی ندارد اما همچنان بر جایگاه نمادین خود اصرار می‌ورزد؛ درحالی‌که تنها عضو خانواده با درآمد واقعی، دخترش لیلا است نه او.

متن کامل را در جام‌جم آنلاین بخوانید

نمایشگاه

افتتاح نمایشگاه عکس «رامش شب»



نمایشگاه گروهی «رامش شب» که حاصل عکس‌های سیدصابر امامی و علیرضا امیدوند است، عصر چهارشنبه ۸ مهر در گالری شماره ۲ فرهنگسرای ارسباران افتتاح شد. این مجموعه تلاشی است برای ثبت جهان شبانه، نه از طریق آنچه در آن دیده می‌شود بلکه از طریق اثری که نور، حرکت و زمان در فرآیند دیدن و عکاسی برجای می‌گذارند. رامش شب از جایی آغاز می‌شود که دیدن جهان شبانه دیگر به‌معنای بازشناسی اشیا نیست؛ از لحظه‌ای که نور، پیش از آن‌که چیزی را آشکار کند، خود به موضوع دیدن بدل می‌شود. رامش شب دعوتی به درنگ و رهاشدن در ریتم شب است؛ به تماشای جایی که مرز میان شهر و خیال، مشاهده و انتزاع، عکاسی و نقاشی به‌تدریج محو می‌شود و آنچه باقی می‌ماند، کیفیتی از حضور است. این نمایشگاه که متشکل از ۳۵ فریم عکس‌های امامی و امیدوند است، از ساعت ۱۶ تا ۱۸ به‌روی علاقه‌مندان باز خواهد بود.

رویداد

«شاه‌کشان» در باغ کتاب تهران



بلیت‌فروشی نمایش «شاه‌کشان؛ روایتی نو از یک تراژدی» به‌کارگردانی روح‌الله صدیقی و تهیه‌کنندگی آزیتا موگویی از ساعت ۱۲ دوم مهرماه در سایت تیوال آغاز شد. این نمایش از روز گذشته هشتم مهر، هرشب ساعت ۱۹:۳۰ در سالن «کُرباکس» پردیس تئاتر و «موسیقی دکُر» در باغ کتاب تهران روی صحنه می‌رود. شاه‌کشان یک نمایش در نمایش است که متن کهن را با تاکید بر مفهوم عدالت به‌عنوان تم اصلی اثر، به پشت صحنه مرتبط می‌کند. در توضیح این نمایش آمده است: «بی‌عدالتی در طول تاریخ چون سایه‌ای سنگین همراه انسان بوده است. از گذشته تا امروز... این زخم کهنه؛ تازه مانده و هر نسل دوباره آن را زندگی می‌کند.» بازیگران این نمایش در نمایش به‌ترتیب ورود به صحنه، عبارتند از: محمد نادری، سمیرا حسینی، عارفه معماریان، مهبد قناعت‌پیشه، نیلوفر پارسا و نوید گودرزی. از میان دیگر عوامل آن نیز می‌توان از مشاور پروژه جلال‌الدین دری و... نام برد.

تئاتر

دور سوم نمایش «رویای آمریکایی» در تئاتر هامون



نمایش «رویای آمریکایی» برگرفته از نمایشنامه «باغ وحش شیشه‌ای» نوشته تنسی ویلیامز به‌کارگردانی علی حضرتی پس از دو دوره اجرای موفق، در دور سوم اجرای خود به تهیه‌کنندگی محمد ذوالفقاری از یکشنبه دوازدهم مهرماه در تئاتر هامون روی صحنه می‌رود. دراماتورژی این اثر را نیز علی حضرتی و هلیا خدابخش به‌طور مشترک برعهده دارند. رویای آمریکایی برداشتی هجوآمیز و پارودیک از باغ وحش شیشه‌ای تنسی ویلیامز است؛ تلاشی برای بازخوانی جهان اثر از زاویه‌ای طنزآمیز و متفاوت. در این نمایش ۷۵ دقیقه‌ای، امیر کردی، نیوشا نیک‌بخش، زهره خزایی، احمدرضا میررجبی، محمدجواد رضوانی، مهیار مسیب‌زاده به‌ایفای نقش می‌پردازند. گفتنی است علی احمدی نیز به‌عنوان مشاور کارگردان این پروژه را همراهی می‌کند. در خلاصه این اثر آمده: «این خانه پر از حرف است؛ از گذشته، از آینده، از آدم‌هایی که رفته‌اند و آدم‌هایی که هنوز نیامده‌اند اما ظاهرا هیچ‌کس حواسش به چیزی که همین حالا در این خانه می‌گذرد نیست.»

فیلم کوتاه

ساخت فیلم کوتاه «۱۸۹۵» با هوش مصنوعی



فیلم کوتاه داستانی «۱۸۹۵» به‌کارگردانی و تهیه‌کنندگی سروش البخشی نائینی و نویسندگی سیاوش و سروش البخشی نائینی به‌عنوان دومین فیلم کوتاه تولیدشده با هوش مصنوعی و نهمین فیلم کوتاه این کارگردان، آماده نمایش و حضور در جشنواره‌ها شد. ۱۸۹۵ با استفاده از امکانات و ابزارهای هوش مصنوعی گوگل تولید شده و نخستین حضور جشنواره‌ای خود را در «جایزه جهانی فیلم هوش مصنوعی» امارات تجربه کرده است؛ رویدادی یک‌میلیون‌دلاری که با همکاری امارات و Google Gemini برگزار شد. این رقابت ۳۵۰۰ اثر از سراسر جهان دریافت کرد و ۱۸۹۵ در روند انتخاب آثار، در جمع ۲۰ اثر برگزیده پایانی قرار گرفت. داستان فیلم در آینده‌ای روایت می‌شود که هوش مصنوعی بر صنعت فیلمسازی مسلط شده است و ابزارهای سنتی سینما به موزه منتقل شده‌اند. در این میان، دوربین‌های دیجیتال برای بازپس‌گیری جایگاه سینمای گذشته سراغ دوربین‌های آنالوگ می‌روند و اتحادی را برای مقابله با سلطه هوش مصنوعی شکل می‌دهند.